



به بهانه‌ی برگزاری بیست‌ودومین جشنواره‌ی کودک و نوجوان در همدان

کودکان و نوجوانان در

فیلم‌های ایرانی از آغاز تا سال ۱۳۵۸ (بخش اول)

جبار آذین

کودکان و نوجوانان بخش قابل توجهی از اجتماع را تشکیل می‌دهند. اینان به لحاظ سنی، وضعیت جسمی، ویژگی‌های روحی و همچنین آمادگی و پذیرش ذهنی در مراحل ویژه‌ی قرار دارند. شناخت و بررسی خصوصیات کودکان و نوجوانان و عنایت به خصوصیات و تمنیات آن‌ها بسیار ضروری است و برای صاحبان ذوق و هنر و ادب امری واجب محسوب می‌شود. ذهن کودکان پاک، سالم و چون آینه است. کودکان شیفته‌ی هیجان هستند و توانایی جذب هر چیز نویی را دارند. با آن که میزان توانایی فکری آن‌ها مانند بزرگسالان نیست اما با توجه به موقعیت‌های خانوادگی و اجتماعی و چگونگی ارتباط با مسایل اجتماع، عکس‌العمل‌های متفاوتی دارند. مسلماً کودکان و نوجوانانی که در میان اقشار متوسط و زحمتکش جامعه زندگی می‌کنند، از نظر روحیه و توان جسمی و روحی

با هم‌سن و سالانشان از طبقات مرفه جامعه متفاوتند زیرا تغذیه‌ی خوب یا ناقص، محیط زندگی سالم یا آلوده، نوع تربیت و فرهنگ خانوادگی و استفاده یا عدم استفاده از امکانات رفاهی و تفریحی هر قشری، تأثیری متفاوت بر روی کودکانشان دارد. این کودکان هر کدام علایق و سلیق خاص خود را دارند و با تخیلات و بازی‌های ویژه‌ی خود سرگرمند و مسلماً بچه‌های پابرنه برخلاف بچه‌های مرفه با تی‌وی گیم، اسباب‌بازی‌های برقی، عروسک‌های سخنگو و ... الفتی ندارند لذا نمی‌توان توانایی و مسایل همه‌ی کودکان را به کلی در یک خط سیر قرار داد. با این حال به دنبال پدیده‌های تازه بودن، کشف ناشناخته‌ها، ایجاد هیجان و در مسیر انجام اعمال قهرمانی افتادن، قهرمان‌دوستی و قهرمان‌سازی از خصایص اصلی اغلب کودکان و نوجوانان است. آن‌ها در بازی کردن و بازی‌هایی چون فوتبال، والیبال و دیگر بازی‌های سنتی‌یی که

همه‌ی کودکان علاقه‌مند به انجام آند، وجه اشتراک دارند.

کودکان و نوجوانان به تبع سن با دنیایی از ناشناخته‌ها مواجه‌اند و در قبال اعمال رفتار حاد و پرهیجان واکنش نشان می‌دهند. آنان از قابلیت‌های احساسی و عاطفی سرشارند. دیدن یک صحنه‌ی غم‌انگیز یا شاد یا دیدن یک کودک در حال خنده یا گریه آن‌ها را متأثر می‌کند.

اشتیاق و شیفتگی کودکان و نوجوانان به دیدن فیلم، خواندن یا شنیدن قصه از جمله خصوصیات بارز آن‌هاست. اگر برنامه‌یی سرگرم‌کننده که حاوی آموزش‌هایی نیز باشد از طریق فیلم به کودک نشان داده شود، ممکن است وی ساعت‌ها پای آن برنامه بنشیند و این مسئله‌ی مهمی است که باید به آن توجه نمود.

خلق آثار هنری و ادبی باید با توجه به دنیاهای متفاوت اقشار جامعه صورت پذیرد و آثاری که





درباره‌ی کودکان و نوجوانان و برای آنان تدارک دیده می‌شود، باید آینده‌ی نوع تفکر و زندگی آنان باشد. به عنوان مثال فیلمی مانند «باتال و آرزوهای کوچک» ساخته‌ی «مسعود کرامتی» بدون شک نمی‌تواند برای مرفهین و درمندان به یک اندازه جذاب باشد چرا که در این فیلم صرفاً به آمال و آرزوهای کودکان عرّفه توجه شده است.

فیلم‌هایی که در عرصه‌ی سینمای کودکان و نوجوانان تولید شده‌اند، دو قشر مشخص و وسیع را مخاطب قرار می‌دهند. دسته‌ی اول کودکانی هستند با ویژگی‌های فکری، روحی، روانی و همچنین توانایی‌هایشان و دسته‌ی دیگر را نوجوانان با همه‌ی توانایی‌ها و قابلیت‌هایشان در بر می‌گیرند. البته در حیطه سینمای کودک و نوجوان آثار بسیاری نیز تولید شده و می‌شود که مخاطب اصلی آن را بزرگسالان تشکیل می‌دهند. در این قبیل آثار، داستان، فضا و زندگی در ارتباط با کودک است و فیلمساز از این طریق با بزرگ‌ترها صحبت می‌کند. فیلم‌هایی مانند «مشق شب»

نمی‌کنند و یا همه چیز را به یک اندازه پذیرا نیستند. لذا یافتن قالب‌های هنری مناسب و همچنین پرداخت درست و جذاب مضامین مورد علاقه‌ی آن‌ها را باید از مسایل زیربنایی و عمده‌ی کار برای کودکان تلقی کرد.

جای خالی کودک در فیلم‌های کودک

جایگاه کودک در میان خانواده، در محیط مدرسه، نوع ارتباط او با همسالان خود، رفتار با بزرگ‌ترها و بر عکس در برخورد با سیستم‌های آموزشی و تربیتی و ... از مبرم‌ترین مسایلی است که متأسفانه در اغلب آثار تصویری و نمایشی که با عنوان کودک و نوجوان خلق می‌شوند، توجهی شایسته به آن نمی‌شود.

کسی که برای کودک و نوجوان کار می‌کند، بدون تردید باید قدرت باور و خیال‌پردازی‌های او را بشناسد و معیارهایش برای انجام کارهای خوب و بد را درک کند. فیلمی مانند «ای‌تی» ساخته‌ی «استیون اسپیلبرگ» که موضوع آن در مورد یک موجود فضایی است که به روی زمین می‌آید، برای کودکان جذاب است. ائی‌تی یک موجود ناشناخته و تازه است و همین امر موجب شیفتگی کودک می‌شود. او بر اساس اطلاعاتی که از اطرافیان کسب کرده و یا در کتب مطالعه نموده، در مورد محیط زندگی خود، آسمان‌ها و کرات و ستاره‌ها تصوراتی خاص و کودکانه دارد و لذا این‌گونه است که پدیده‌ی مثل ائی‌تی و حضورش در میان کودکان و ایجاد روابط حسی و انسانی با او، برای کودکان پرجذبه می‌نماید. کسانی برای

به دام انداختن این موجود فضایی تلاش می‌کنند و همین امر وجهه‌ی هیجانی قضیه است که ذهن تماشاگر را به خود جذب می‌کند و این کشش برای مخاطبان فیلم جالب است و ... این‌ها همه از توجه سازندگان این قبیل آثار به سلاقی و عواطف کودکان سرچشمه می‌گیرد. البته این به آن معنی نیست که فیلم ائی‌تی و دیگر محصولات غربی بدون عیب هستند، حقیقت این‌که خالقان چنین آثاری در راستای اهداف استودیوهای فیلمسازی آمریکا و برای بهره‌برداری مادی و سرمایه‌اندوزی گام برمی‌دارند و بدیهی است که سینما برای آن‌ها فقط جنبه‌ی پولسازی و تخدیر افکار را دارد. در عوض فیلم‌های وطنی سعی دارند تنها به زور ضرب و رقص و موسیقی، کودک و نوجوان را به سالن‌های سینما بکشانند بدون آن‌که حرفی برای گفتن و قالبی جذاب داشته باشند. فیلم‌هایی مانند «مهمان ناخوانده» (کار گروهی)، «کاکلی» (فریال بهزاد)، «شنگول و منگول» (پرویز صبری)، «گلنار» (کامبوزیا پرتوی) و ... از این دسته‌اند.

قهرمان‌های کودک در آثار خارجی «رابین هود»، «پسرک شجاع»، «هاج» و ... هستند موجوداتی که به دلیل عدم آرایه‌ی الگوهای وطنی و ضعف مفرط سینمای کودک و نوجوان، ناخودآگاه جایی بارز در دنیای ذهنی مخاطب خردسال ایرانی باز کرده است اما قهرمان‌های کودک ایرانی چه کسانی‌اند؟ آثار تخیلی می‌توانند باعث رشد معقول تخیلات کودک و نوجوان باشند یا بر عکس باعث انحراف آنان شوند. به عنوان نمونه در فیلم «طیل حلبی» ساخته‌ی «شلندرف» از اعمال خارق‌العاده‌ی

(عباس کیارستمی)، «عمو سیلو»، «باشو» (غریبه‌ی کوچک) (بهرام بیضایی) و ... از این دسته‌اند. در ارتباط با کودکان و نوجوانان در سینما تا به حال سه نوع فیلم تولید شده است: ۱- آثاری که برای کودکان ساخته شده و مخاطب آن‌ها نیز کودکان هستند، ۲- فیلم‌هایی که در مورد کودکان تولید شده اما مخاطبان آن‌ها بزرگسالان هستند و ۳- آثاری که تلفیقی هستند از دو مورد قبلی و عناصری از خصوصیات و دنیای ذهنی و عینی کودکان و نوجوانان و بزرگسالان را در خود جمع دارند. درباره‌ی این نوع آثار و برجستگی‌هایشان در خلال مباحث این مقوله اشاره خواهیم کرد. برای تولید آثار ادبی و هنری درخصوص کودکان، ضروری است که توان جسمی، روحی، شیفتگی آن‌ها به هیجان، ماجراجویی، قابلیت‌های عاطفی، میزان درک و فهم، دلمشغولی‌های کودکانه، بازی‌ها، شوخی‌ها، ایده‌آل‌ها و ... - کشش به قهرمان‌بازی و قهرمان‌سازی و ... - در نظر گرفته شود. یک هنرمند باید اثرش را مطابق با الگوهای زیبایی‌شناسی و ویژگی‌های تفکر مخاطبانش بسازد. کودکان و نوجوانان از موضوعات مختلف درک‌های متفاوتی دارند و هر چیز را دقیقاً آن‌گونه که هست، درک



خالقان آثاری با عنوان کودک و نوجوان به دلیل عدم وجود تئوری و قانون خاصی که حاصل تحقیق و مطالعات و شناخت روانشناسانه و عینی کودکان و نوجوانان ایرانی باشد، همواره در تنگنای مرز بین فیلم برای کودک، درباره‌ی کودک و یا تلفیقی از این دو درجا می‌زنند

زیبا، طرح مسایل عاطفی، ارایه‌ی مسایل مبتلابه کودک و نوجوان در خانواده، مدرسه و اجتماع، شعر و موسیقی و انتخاب دیالوگ مناسب، از ویژگی‌های یک فیلم و اثر جذاب نزد کودکان و نوجوانان است.

خالقان آثاری با عنوان کودک و نوجوان به دلیل عدم وجود تئوری و قانون خاصی که حاصل تحقیق و مطالعات و شناخت روانشناسانه و عینی کودکان و نوجوانان ایرانی باشد، همواره در تنگنای مرز بین فیلم برای کودک، درباره‌ی کودک و یا تلفیقی از این دو درجا می‌زنند و آثاری عرضه می‌کنند که مورد توجه کسانی جز کودک و نوجوان قرار می‌گیرند و در نهایت گیشه‌ساز می‌شوند. این که کودک نیاز به قهرمان‌بازی و ایزاز وجود دارد، امری مسلم است اما چرا باید قهرمان او «ماسکی»، «پینوکیو»، «هیکی ماوس»، «پلنگ صورتی»، «ساترن» و ... باشند؟ قهرمان کودک کسی است که موانع عینی و واقعی که شامل همه‌ی سختی‌ها، ضدتنبلی‌ها و بدی‌هاست را از سر راه بردارد. قهرمان نوجوان ممکن است اسب‌سواری کند و تیر بیندازد؛ اما چه لزومی دارد که این فرد «زاین‌هود» یا الگویی مانند او باشد؟ چرا این کاراکتر یک نوجوان ترکمن، یک نوجوان مکانیک، حسین فهمیده و ... در یک فیلم ایرانی - البته آن هم با استفاده از قالب و فرمی ایرانی و مطابق با فرهنگ مردم و هماهنگ با محتوا - نباشد؟ یک فیلم ایرانی علاوه بر داستان و کاراکترهای وطنی باید از قالب و فرم جناب و هماهنگ با سلیقه‌ی کودکان و نوجوانان ایرانی برخوردار باشد تا

مرز بین خیال و واقعیت در هم می‌ریزد و شخصیت‌های زنده‌ی فیلم از واقعیت عبور کرده و وارد دنیای انیمیشن می‌شوند. در فیلم دزد عروسک‌ها نیز عروسک‌ها جان می‌گیرند و وارد دنیای آدم‌ها می‌شوند. کودک و نوجوان این نوع اشکال را جذب و نسبت به آن ابراز علاقه می‌کنند. البته فضای فرهنگی و نوع زندگی کودک و نوجوان ایرانی ویژه‌ی جامعه‌ی ایرانی است و با توجه به همین خصوصیات است که باید برای آن‌ها آثاری خلق کرد و از تولید فیلم‌های تقلیدی پرهیز نمود.

فیلم‌های «گلنار»، «دزد عروسک‌ها»، «شنگول و منگول»، «شهر موش‌ها» و ... عمدتاً به دلیل حضور یک یا چند کودک و یا حیوان، استفاده از عناصر رقص و آواز و ارایه‌ی صحنه‌هایی مملو از ادا و اطوار است که تماشاگر خردسال را تا حدی جذب کرده‌اند و گرنه هیچ‌کدام فیلم‌های خاص کودکان و نوجوانان تلقی نمی‌شوند. خالقان نقاشی، تئاتر، قصه، موسیقی، شعر و ... زمانی می‌توانند کودک و نوجوان ایرانی را مجذوب نمایند، به او آموزش دهند و سرگرمش کنند که به همه‌ی خصوصیات او آشنا بوده و انعکاس‌دهنده‌ی آمال و مسایل آنان باشند اما آثار ذکرشده‌ی ایرانی به کدام یک از مسایل کودکان و موقعیت‌های آنان، نقش آنان در زندگی و یا حتی نقش‌پذیری آنان اشاره داشته‌اند؟

کودک و نوجوان به خاطر روحیه‌ی شادی که دارد متمایل به زیبایی است لذا رنگ‌آمیزی خوب، انتخاب و خلق فضاهای

یک کودک که با فریاد شیشه‌ها را می‌شکند، سخن می‌رود. او با تمرکز در چشم‌ها می‌تواند در حرکت اشیا تأثیر بگذارد. در عرصه‌ی این نوع از آثار مرتبط با دنیای کودکان و نوجوانان، این قشر می‌توانند وارد دنیای «والت دیزنی» شوند و آلیس را در سرزمین عجایب ببینند و یا همین حالا به آمریکا بروند و با «خفاش» پرواز کنند و در کنار «اچر رایت» شادی بیافرینند و ... گفتنی است که دلیل استقبال از چنین آثاری به رغم اهداف تخدیرکننده و سودجویانه‌ی سازندگانشان، عمدتاً تکنیک پیشرفته و توجه به ذوق و سلیقه‌ی کودکان و نوجوانان کشور تولیدکننده‌ی فیلم‌هاست و گرنه طبیعی است که این دسته فیلم‌ها از محتوای انسانی و والا، فرسنگ‌ها دور هستند. در سینمای ایران نیز می‌توان نمونه‌های ضعیف این نوع فیلم‌ها را دید. فیلم «دزد عروسک‌ها» به کارگردانی «محمدرضا هنرمند» نمونه‌ی بد یک فیلم نیمه‌تخیلی است که با تکیه بر داستانی آشفته و ساخت‌دنیای مسخره برای مخاطبان خردسال، راه را بر پویایی ذهن کودک و نوجوان می‌بندد و این امر نشانگر ضعف سینمای کودکان و نوجوانان در این مسیر است.

نیازهای کودکان و نوجوانان

کودکان و نوجوانان نیازمند فضاها و موقعیت‌هایی هستند تا توانایی‌های خود را نشان دهند و فیلمسازان بیگانه برخلاف دست‌اندرکاران سینمای وطنی، این موارد را به درستی دریافت کرده‌اند و در چارچوب عقیده و مرام و فرهنگ خودشان از آن بهره می‌گیرند. در فیلم «بچه‌های آبی»

تأثیرات اولیه را بر ذهن مخاطبش بگذارد. به هر صورت کودک و نوجوان را قبل از هر چیز باید به عنوان انسان‌هایی مستقل و به صورت مجرد شناخت و بعد به درک روابط اجتماعی - انسانی وی با اهل خانواده، دوستان و اجتماع پی برد سپس به تأثیرگذاری او بر دیگران و اثرپذیری‌اش، پرداخت و این‌ها مواردی است که فیلمسازان ما از روی آن به صورت سطحی گذر می‌کنند. به همین جهت است که شخصیت‌های آثارشان آدم‌هایی از پیش تثبیت شده‌اند و صرف حضورشان در فیلم به خاطر درگیری با حوادث و خلق هیجان است؛ یعنی حادثه و هیجان کاذب وجه عمده‌ی این قبیل فیلم‌هاست. برای سازندگان این نوع آثار، صرف این‌که شخصیت فیلم ۶ یا ۱۵ ساله باشد و در فیلم در حاشیه و یا بطن ماجرا قرار داشته باشد و یک سری اعمال انجام دهد و همچنین شیرین‌زبانی یا بدزبانی کند، آن اثر متعلق به سینمای کودکان و نوجوانان است و بس!

با توجه به آن‌چه آمد، ضرورت دارد که نخست دنیا و ویژگی‌های روحی و جسمی و توانایی‌های کودکان و نوجوانان و همچنین حد و حدود حضور آن‌ها در آثار سینمایی تبیین و روشن شود تا در ایران سینمایی به نام کودکان و نوجوانان دارای هویت گردد.

سینما از آغاز ورودش به ایران بهایی درخور به کودکان و نوجوانان نداده است و آثاری که چه قبل و چه بعد از انقلاب در این راستا تولید

شده‌اند، از کم‌توجهی به این اقشار حکایت دارد. در ذیل نگاهی تحلیلی به سینمای کودک و نوجوان از آغاز تا سال ۵۸ خواهیم داشت.

سینمای کودک و نوجوان قبل از انقلاب اسلامی

سینمای قبل از انقلاب سرگذشت تیره و غمباری دارد که مشخصه‌ی اصلی آن تجارت‌زدگی و ابتذال بوده است. سینمای ایران تا سال‌ها عرصه و جولانگاه کلاه‌مخملی‌ها، رقاصه‌ها، چاقوکش‌ها و کارگران، سرمایه‌دار و ... بود. پرده‌ی سفید سینماها را حضور سیاه‌لپه‌ها لجن‌مال کرده بود و تاجرپیشه‌های فیلمساز با تولید فیلم‌های آبگوشتی و جاهلی عربده‌های مستانه سرمی‌دادند. این روند تا اوایل سال ۱۳۴۰ هم‌چنان ادامه داشت و در این سال به دلیل نرمش‌های سیاسی و اصلاحات اجتماعی! توسط رژیم پیشین، جوانان علاقه‌مند فرصتی یافتند تا به غیر از شیوه‌ی فیلمفارسی و به زبانی دیگر سخن بگویند. البته این امر تا سال‌ها حالتی درونی داشت و اختناق اجازه‌ی علنی شدن صدای هیچ انتقاد و اعتراضی را نمی‌داد. سینمای ایران باید در چارچوبی مشخص و با استفاده از سوژه‌های فرمایشی و در جهت‌ی خاص حرکت می‌کرد و این روند تا به آن‌جا ریشه دوانیده بود که هنرمندان و دست‌اندرکاران تولید فیلم از بس کابوس دیده بودند، به خودسانسوری دچار گشته بودند. بدیهی است

در وضعیتی که سینمای یک کشور نمایشگر و اشاعه‌دهنده‌ی فسق و فجور باشد نمی‌توان سراغی از سینمایی با عنوان کودکان و نوجوانان گرفت چرا که هویت سینمایی کاملاً متعلق به ایران به دلیل خیل آثار تقلیدی از سینمای بیگانه هنوز بحث‌انگیز است.

با این وصف به سینمای کودک و نوجوان در ایران باید به صورت غیرمعارف نگاه کرد. به این معنی که باید رد پای حضور کودک را در فیلم‌های فارسی قبل از انقلاب جست و به اعتبار حضور او در فیلم و میزان نقش و تأثیرگذاری‌اش عنوان سینمای کودک و نوجوان را بر آن نهاد. روشن است آن‌چه در فیلم‌های قبل از انقلاب به جوانان و نوجوانان و کودکان یاد داده می‌شد، مسایلی در ارتباط با رقص و آواز و کافه و دعوای خانوادگی و دردی و فحشا بوده و این مسایل ربطی به دنیای کودکان و نوجوانان نداشته است. به هر حال برای تبیین سینمای کودکان و نوجوانان - البته توسط آیندگان - ضروری است که دنبال حضور پرتنگ کودک در سال‌های بعد از ۱۳۳۹ در سینمای ایران بگردیم چرا که تا سال ۱۳۳۹ در سینمای ایران فیلمی که به کودکان و نوجوانان به صورت اصولی پرداخته باشد، وجود ندارد.

۱۳۳۹، سال بیم و امید

تعداد تولیدات سینمای ایران در این سال ۲۶ فیلم بود و سینمای ایران رونق چشمگیری نداشت و مضامین و سوژه‌های فیلم‌ها تقریباً

کودکان و نوجوانان
نیازمند فضاها و
موقعیت‌هایی هستند
تا توانایی‌های خود را
نشان دهند و فیلمسازان
بیگانه برخلاف
دست‌اندرکاران سینمای
وطنی، این موارد را به
درستی دریافت کرده‌اند





در نزد علاقمندان صاحب ذوق، انگیزه‌ی تولید را ایجاد کرد اما عدم شناخت و توانایی در این عرصه منجر به پیدایش آثاری تقلیدی از روی فیلمها و ادبیات خارجی شد و همین امر سالها باعث درجا زدن و عقبماندگی هنر و ادبیات ویژه‌ی کودکان و نوجوانان شد در سال ۱۳۴۰ کاری درخور و تحت عنوان کودک و نوجوان در سینما به ظهور نرسید.

۱۳۴۱ با موش دم‌بریده

با فیلم «موش دم‌بریده» ساخته‌ی «جعفر تجار تاجی» که یک اثر نقاشی متحرک است، کار تهیه‌ی آثار انیمیشن به طور رسمی در ایران آغاز شد. موش دم‌بریده محصول اداره‌ی سینمایی وزارت فرهنگ و هنر بود و به انگیزه‌ی توجه به کودکان و نوجوانان ساخته شده بود.

این فیلم داستان یک موش دم‌بریده است. موش برای وصل کردن مجدد دم خود به موجودات گوناگونی مراجعه می‌کند اما هیچ‌کدام قادر به انجام کاری برای او نیستند و در انتها موش با اراده‌ی خود و پس از کسب تجاربی، صاحب دم جدیدی می‌شود. این فیلم مضمون «تکیه به خود داشتن و روی پای خویش ایستادن» را مد نظر داشت. به جز این فیلم، در این سالها هیچ فیلمی که حتی نیم‌نگاهی به اقشار کودکان و نوجوانان داشته باشد در ایران ساخته نشده است.

ادامه دارد

در این آثار به بعضی از اعمال کودکان توجه شده اما در هیچ‌کدام افکار، گفتار و رفتار کودک و نوجوان مطرح نبوده است. فیلمهای «دروغگوی کوچولو» (نظام فاطمی)، «چاکر شما کوچولو» (رحیم روشنیان)، «بابا نان داد» (امان منطقی)، «میرم بابا بخرم» (امان منطقی) و... از این جمله‌اند. در این قبیل فیلمها، کودکان و نوجوانان حضور و شخصیتی مستقل ندارند و صرف وجودشان تکمیل‌کننده‌ی فلان ماجرا و بهمان شخصیت بزرگسال است. وجود کودکان و نوجوانان در فیلمهای سینمایی پیش از انقلاب موجبات پدیداری سینمای مختص کودکان و نوجوانان را فراهم نیاورد، بلکه تولید فیلمهایی مانند «بهشت دور نیست» (اسماعیل ریاحی)، «مادر فیاکار» (ابراهیم باقری)، «مادر دوست دارم» (داریوش کوشان)، «من مادرم» (نسیمیان) و... تنها به گیشه ختم شد در دهه‌ی ۴۰ توجه به کودک و نوجوان و طرح امیال و خواسته‌های آنها به صورتی جدی مطرح شد در این دهه میزان آگاهی‌های اجتماعی، پیدایش جماعت روشنفکر را باعث شد و طبع و نشر کتب ترجمه، به ظهور رسیدن نشریاتی مستقل در خصوص کودکان، همه‌گیر شدن تماشای تلویزیون، رشد کمی مطبوعات و... همه‌ی این مسایل موجبات نگرشی ژرف را به اقشار کمسن و سال جامعه فراهم ساخت. در این زمان عرصه‌ی ادبیات جوانانگه قلم‌فرسایی شد که از سر درد یا بی‌دردی به اقشار یادشده نظری داشتند. در آغاز، مواجه شدن با آثار ادبی و هنری بیگانه،

یکنواخت بودند. با این همه توجه به عناصر رقص و آواز همچنان جایی برجسته در محصولات سینمایی سال ۱۳۳۹ داشت.

فیلم «بیم و امید» محصول اطلس فیلم را «گرچی عبادیا» (احمد فهمی) با بازی «گوش»، «مهدوی»، «هوشنگ سارنگ»، «غلام‌حسین مفیدی» و... در این سال ساخت. بیم و امید یک درام آشفته بود و ساخت سینمایی ضعیفی داشت. این فیلم به لحاظ نقش نسبتاً طولانی یک کودک از اولین فیلمهایی به حساب می‌آید که به حضور خردسالان پرداخته است. فیلم یادشده که به طریق سیاه و سفید و در ۱۰۸ دقیقه ساخته شده بود، حکایت دختر خردسالی است که برای تهیه‌ی دارو به داروخانه‌ی مراجعه می‌کند و داروخانه‌چی به جای دارو و در اثر سهل‌انگاری یک دوا‌ی سمی به او می‌دهد و کل ماجرای فیلم در مورد مطلع کردن خانواده‌ی دختر از این جریان و امتناع از مصرف داروست. نشان دادن چهره‌ی معصوم از دخترک و عرضه‌ی صحنه‌های عاطفی در ارتباط با او از ویژگی‌های فیلم بیم و امید است. این فیلم صرفاً به لحاظ حضور پررنگ یک کودک خردسال در زمانه‌ی قحطی ساخت فیلم برای کودکان و نوجوانان می‌تواند در حاشیه‌ی سینمایی با عنوان کودکان و نوجوانان قرار گیرد. در سینمای ایران فیلمهایی وجود دارند که در چارچوب مسایل خانوادگی به کودکان و نوجوانان به صورت حاشیه‌ی اشاره داشته‌اند.